

سعادت

در پرتو ادب و حیا

اصغر قاسمی

www.ketab.ir



۱۳۹۱

سعادت در پرتو ادب و حیا

اصغر قاسمی



ناشر: هستی نما، لیتوگرافی: ۱۱۰، چاپ و صحافی: نگارش، چاپ اول
زمستان ۱۳۹۱، شمارگان: ۱۱۰۰، قیمت: ۶۰۰۰ تومان، ۱۵۶ صفحه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۱۴-۶۶-۶

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشانی: تهران، س. پ: ۷۵۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۹۱۲۱۵۱۱۲۸

توزیع: تهران، پکتا، تلفن: ۸۸۹۴۰۳۰۳

E-mail: Hastinama@mail.com

سرشناسه:	قاسمی، اصغر، ۱۳۳۴ -
عنوان و پدیدآور:	سعادت در پرتو ادب و حیا / اصغر قاسمی
مشخصات نشر:	تهران: هستی نما، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:	۱۵۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی:	فیا.
شابک:	۶۰۰۰ ریال: 978-964-8214-66-6
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع:	اخلاق اسلامی.
موضوع:	رستگاری - جنبه های مذهبی - اسلام.
موضوع:	خجالت - جنبه های مذهبی - اسلام.
موضوع:	آداب - جنبه های مذهبی - اسلام.
رده بندی کنگره:	۱۳۹۱ ۷س ۲ق / BP ۲۵۰
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۶۳

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	توفیق ادب
۱۴	معنای ادب
۱۴	حسن و ظرافت عمل
۱۵	حکایت
۱۷	اساس ادب
۱۸	رابطه اخلاق و ادب
۱۹	خوب و بد در دیدگاه اسپینوزا
۲۱	نظر علامه طباطبائی درباره ادب
۲۳	کمال در پرتو اخلاص
۲۴	حکایت
۲۶	رابطه ادب و توحید
۲۷	انگیزه های نفس
۲۸	کنترل نفس
۳۰	جذب منفعت و دفع ضرر
۳۰	رابطه ادب و عقل

۳۲	مجالس روضه و ادب
۳۵	تفسیر حیا
۳۶	حیا چیست؟
۳۷	حکایت
۳۸	کلید کرامت
۴۰	حکایت
۴۱	تفاوت شرم و حیا
۴۳	حکایتی درباره بی حیایی و نتیجه آن
۴۵	حیا، مظهر و حید
۴۸	حکایت
۴۹	نقش رابطه‌ها در ادب و حیا
۵۱	رابطه‌ها و نقش ادب و حیا
۵۲	ارتباط با خدای تعالی
۵۲	حیای الهی
۵۵	خیر و شر واقعی
۵۸	حکایت تلخ
۶۰	آینه و نمونه ادب و حیا
۶۳	احترام به اهل فضل
۶۵	رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیرون از منزل
۶۶	غافل شدن از انحرافات
۶۶	اصول هم‌نشینی
۶۷	خوش‌رویی با هم‌نشینان
۷۰	سکوت معنادار

نگاه دوباره	۷۰
حکایت	۷۲
جایگاه پدر و مادر	۷۴
ماهیت فرزندان	۷۹
تربیت فرزندان	۸۱
تلاش برای سلامت	۸۳
ریشه ناسالم، شاخه بی بر	۸۵
هشدار به جوانان	۸۶
چگونگی تربیت	۸۹
تربیت حیوانی و ملای	۹۱
خورد و خوراک	۹۴
ادب کامل غذا خوردن	۹۶
حکایت	۱۰۰
جایگاه فرزندان	۱۰۴
حکایت	۱۰۶
رابطه مؤدبانه با مردم	۱۰۷
برخورد سه گانه	۱۰۸
فروتنی در روابط	۱۱۱
سلام: مبارک ترین کلمه ارتباطی	۱۱۲
بُخل در سلام کردن	۱۱۵
تکبر: عامل همه بی ادبی ها	۱۱۶
هدف خلقت: فروتنی و بندگی	۱۱۸
ارزش تواضع	۱۲۰

۱۲۰	ریشهٔ تواضع
۱۲۱	تکبر و آثار شوم آن
۱۲۲	تکبر: ریشه پلیدی‌ها
۱۲۴	تفسیر تکبر
۱۲۵	ناچیز شمردن حق و تحقیر مردم
۱۲۶	۱. عیب‌جویی
۱۲۷	۲. تمسخر
۱۳۰	شباهت مسخره‌کنندگان به موریانه
۱۳۱	برخورد با قلان با مسخره‌کنندگان
۱۳۲	منطق تعقل و احساس
۱۳۳	منطق احساس یا لذت‌های کم‌مکانه
۱۳۵	آثار مخرب تمسخر
۱۳۶	لحظه‌ای با ما باش
۱۳۸	با خود باش، نه ملعبهٔ دیگران
۱۴۱	چاپلوسی از نشانه‌های بی‌ادبی
۱۴۳	آثار شوم چاپلوسی
۱۴۵	فرق تواضع و چاپلوسی
۱۴۶	مداهنه و آثار شوم آن

نمایه‌ها

۱۵۲	آیات
۱۵۳	روایات
۱۵۴	شعرها

مقدمه

شهبز زاغ و زغن زیبای صید و قید نیست
این کرامت همره شهباز و شاهین کرده‌اند^۱

از آنجایی که انسان نسخه مختصری از کل جهان خلقت است و تنها موجودیست که از کرامت میثقه الهی برخوردار است و همه مخلوقات کارگزاران اویند.

چو آدم را فرستادیم بیرون جمال خویش بر صحرا نهادیم^۲
همین مقام عظیم و جایگاه والایی که دارد را در خطر بزرگی قرار داده که باید با هوشیاری و مناعت طبع از خطر به سلامت عبور کند و از آنجایی که انسان در طبع خود بسیار حریص خلق شده است همین امر موجب شده که در خواسته‌های خود حد و مرزی نداشته باشد و برای رسیدن به مقصود و مطلوب خود هیچ نوع قید و بندی برای خویش قائل نشود که این امر باعث بروز مشکلاتی می‌شود که قابل تحمل نیست؛ برای رفع این مشکل دست آفرینش بکار افتاده و برنامه ریزی دقیق و جامعی را بوجود آورده و نام آن را «دین» نهاده و معلّمان دلسوزی را که رسولان و

۱. حافظ، دیوان، ص ۱۲، غزل ۱۲.

۲. عطار نیشابوری، دیوان، ص ۴۹۲، غزل ۶۱۵.

پیامبران او هستند برای تربیت بشریت گسیل داشته و به تلاش و برنامه‌های آنان ارج نهاده، آنان با آشنایی کاملی که از نیروهای درونی و نیازهای بیرونی بشریت داشته‌اند آئین خود را بر اساس تبیین و تکمیل اخلاق آغاز و ادامه دادند، آنان پی بردند که انسان با داشتن نیروی شهوت و غضب که پدیده خاص را به همراه دارد، و از سوی دیگر با داشتن فکر و اندیشه ممکن است از این نیروها برای خود باتلاقی درست کند که دیگر راه‌رهای و نجات نداشته باشد؛ در نتیجه انسان از خلقت خود آن نتیجه‌ای که باید داشته باشد نداشته و هدف خلقت عیب و بیهوده گردد و این با حکمت پروردگار سازگاری ندارد، آنان فهمیدند که پدیده حرص در نهاد انسان برای رسیدن به خدا قرار داده شده که انسان با ولع و تلاش مجدانه خود را به مرکز اصلی سعادت و عمل برساند نه اینکه حرص را در جایگاه اصلی خود بکار نبستند بلکه در جهت عکس، یعنی رسیدن به مطامع دنیوی و جایگاه خیالی بکار برده؛ و لذا صورت انسان را از دست داده و تبدیل به یک درنده خطرناک گردد؛ درنده‌ای که با پاره کردن یک شکار آرام نخواهد شد بلکه با فشار یک دکه هزاران نفر را با بمب‌های خطرناک به خاک و خون کشیده و بر خاکستر آنان تماشا کند و بر این پیروزی به خود می‌بالد، پس پیامبران راه چاره را در این دیدند که راه کنترل نیروهای درونی دل‌خواه و راه برخوردی بیرونی را به بشریت تعلیم دهند و نام این ساماندهی را «اخلاق» گذاشتند و برای اخلاق جایگاه خاصی قائل شدند بطوری که تکمیل کردن آن را از مهمترین اهداف رسالت و بعثت خود قرار دادند؛ همانطوریکه پیامبر بزرگوار اسلام

فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».^۱ بر این اساس اخلاق تنها خصیصه‌ای است که انسان را به کمال سعادت واقعی نائل می‌کند، تمامی برنامه‌های عبادی و معاملاتی و احکام قضایی و همه واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و عبادات آئین الهی بر اساس تکمیل نمودن اخلاق است که آن همانند جان و روح دین است.

بطوری که دین بدون رعایت برنامه‌های اخلاقی همانند جسم بدون روح است، امروزه با تمامی ترقی و پیشرفت‌های صنعتی و علوم ظاهری که بشر داشت و به طور محیّر العقول هم پیش می‌رود ولی از یک نکته مهم غافل شده و همین غفلت باعث لگد مال شدن شخصیت انسانی شده و آن غفلت از اخلاقیات است که تنها خصیصه و امتیاز اوست خصوصاً ادب و حیا که شالوده اخلاق را پی‌ریز می‌کند، رفته رفته به فراموشی کامل سپرده می‌شود؛ یقیناً بشر خسارت این غفلت را خواهد داد کما اینکه می‌دهد. در این کتاب سعی شده که نسبت به این مهم پرداخته شود تا آنجایی که وسع علمی و ذهنی اجازه می‌دهد قلمفرسایی شود. در صورتی که یقین دارم اگر دانشمندان علوم اخلاقی دست به قلم شوند حقیر قطره‌ای در مقابل علوم دریایی آنان هستم انسان اگر ادب در مقابل پروردگار و پیامبران و پدر و مادر و مقدسات دینی و بزرگان را رعایت کند قطعاً لذت زندگی را خواهد فهمید و اگر حیا در جامعه چهره‌نمایی کند همه بی‌بند و باری‌ها از بین خواهد رفت. در صورت نبودن ادب و حیا دین جایگاه خود از دست خواهد داد چون دین بدون ادب و حیا مفهومی ندارد و انسان بدون

۱. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۸۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ۲۱۰، باب ۹.

دین هم معنای انسانی ندارد، بنابراین بر تمامی دانشمندانی که دستی به قلم دارند امروزه لازم است نسبت به این مهم قیام عملی و قلمی کرده در تقویت این خصیصه‌های اخلاقی دست به کار شوند و اجازه ندهند بشر از این خصلت با ارزش کناره‌گیری کرده و همانند موجودات جنگلی فقط به فکر شکم خود بوده و هیچ حد و مرزی را برای وجدان و شرف و کرامت انسانی قائل نشوند؛ در غیر این صورت بشر گرفتار مصیبتی خواهد شد که غم‌اش پایان ندارد.

در آخر از زحمات ناشر محترم جناب حاج آقای جنتی و عزیز خودم آقای حمید رضا ملکی که در تنظیم و چاپ این مسوده ما را یاری کردند قدردانی و تشکر می‌نمایم.

اصغر قاسمی

تهران، شهر قدس

نیمه شعبان ۱۴۰۰ و چهارصد و سی و سه